

زرگری در واکنش به ممنوع الخروچی اش:
به حمایت مسئولان نیاز دارم



زمانی که خبر ممنوع الخروچی سمیرا زرگری سرمربی تیم ملی اسکی آلپاین بانوان ایران توسط همسرش شنیده شد او تر جیح داد مسایل خانوادگی خود را بازگو نکند و تصمیم به سکوت گرفت. اما به دنبال واکنش های بسیاری که در فضای مجازی نسبت به این اتفاق شکل گرفت، زرگری هم تصمیم گرفت تا خیلی کوتاه به این اتفاق در صفحه اینستاگرام خود اشاره کند. البته حرف اصلی او این بود که از مسئولان درخواست حمایت کرد. او نوشت: «روزها، ماه ها و سال ها هست که شغل من از طرف شوهرم مسخره می شود. شوهری که آمریکا به دنیا آمده و در ایران هم بزرگ نشده است. دلایل دیگر ممنوع الخروچی را هم خواهم گفت.» زرگری همچنین خطاب به مسئولان نوشته است: «فقط به حمایت مسئولان محترم نیاز دارم چون سال ها هست برای پرچم کشورم زحمات کشیده ام و عاشق کشورم هستم.» از سوی دیگر زرگری در حالی نتوانست شاگردانش را در قهرمانی جهان همراهی کند که شرایط برای آنها هم سخت شد. عاطفه احمدی در پایان روز نخست مسابقات اسکی قهرمانی جهان درباره تاثیر حواشی اتفاقات اسکی قهرمانی جهان عملکردشان گفت: «خوشبختانه خانم زرگری نگذاشتند حواشی به تیم ملی برسد و هیچ تاثیری روی مانگذاشت. فقط جای خالی اوحس می شد که خیلی اذیت مان کرد، چون خانم زرگری همه جوره برای تیم اسکی ایران امتیاز مثبتی محسوب می شود و وقتی که نیست خیلی چیزها لنگ می ماند.» او افزود: «گر خانم زرگری می آمد فشارها ز روی آقای کلهر (سرمربی تیم ملی مردان) برداشته می شد و تقسیم کار صورت می گرفت. ضمن اینکه ما به مربی خودمان عادت داشتیم. خانم زرگری به المپیک اعزام شده و دوره قبل قهرمانی جهان هم هدایت تیم ملی را بر عهده داشت به همین دلیل شرایط را کامل می دانست و اگر بود شاید نتایج ما هم فرق می کرد.»

چهره به چهره

فکری، مردی که قافیه را باخته است

قهرمان ویدئویی

آرژانتاری

به گواه جدول، استقلال هنوز هم یکی از مدعیان قهرمانی لیگ برتر به شمار می رود اما بازتاب آن چه از کمیته فنی به بیرون انتشار پیدا می کند، نشان می دهد که بین این تیم و قهرمانی فاصله ای بعید وجود دارد. فکری با این قطعه های اشتباه، شانس سی برای کامل کردن پازلش در استقلال ندارد. پازلی که از همان روز اول به بحران و سردرگمی گره خورده است. او اخیرا تلاش کرده تا شرایط تیم را مستقیما به هواداران پیگیری تیمش توضیح بدهد اما این اتفاق، فقط فکری را به نسخه دوم حمید درخشان تبدیل کرده است.

معلوم نیست چرا اعضای کادر فنی استقلال اصرار دارند تا تیم شان را به شیوه ای «کمدی» اداره کنند. یک روز ویدئوی فحاشی سرمربی به مربی حریف منتشر می شود، یک روز ناهماهنگی دستیارها روی نیمکت و ایبرال می شود و حالا هم همه دارند ویدئوی صحبت های عجیب محمود فکری و همکارانش با هواداران تیم را به شکل مستقیم، دست به دست می کنند. اصلا فراموش کنید که کروناوی وجود دارد. اصلا از یسار بربید که این تجمع در

اتفاق روز

مشکل تاریخی فوتبال ایران با دیدارهای اخیر به

این کاره نیستیم!

این روزها بساط دیدارهای خیریه در فوتبال ایران حساسی داغ است. به هر طرف که نگاه کنیم، یک مسابقه خیریه می بینیم اما اساسا در برگزاری این نبردها در ایران، مشکلاتی بزرگ و اساسی وجود دارد. در درجه اول، مشکل اینجاست که ما هنوز متوجه هدف و فلسفه دیدارهای این چنینی نشده ایم. همه جای دنیا مسابقه هایی با نیت خیریه، با یک هدف مشخص برگزار می شوند. مثل دریافت کمک های مالی برای یک نفر، آزاد کردن چند نفر از زندان، مبارزه با فقر و یا کمک به کودکان و

پنج دلیل برای اینکه گل طارمی واقعا مهم است

طبل شادانه را رها نکن!



خوشحالی ندارد اما به چند دلیل، اتفاقا این گل بسیار مهم است.

اولین در تاریخ

در باب اهمیت گل مهدی طارمی به سزنی، چه دلیلی محکم تر از اینکه برای «اولین بار» در تمام تاریخ، یک بازیکن ایرانی توانسته در مرحله حذفی لیگ قهرمانان گل زنی کند. ایران در طول تاریخ صدها هزار فوتبالیست مختلف داشته اما قبل از «مهدو» هیچ کس موفق نشده در این مرحله از این جام، دروازه یک رقیب را باز کند. علی دایی، علی کریمی، مهدی مهدوی کیا و سردار آزمون پیش از این موفق به گل زنی در لیگ قهرمانان اروپا شده بودند اما همه

این گل ها به مرحله گروهی مربوط بود. اگر مرحله پلی آف را هم در نظر بگیریم، سعید عزت اللهی نیز توانسته در این رقابت گل زنی کند اما ستاره پوشهری فوتبال ایران، عملا اولین فوتبالیست تاریخ کشور است که در یک دیدار حذفی در لیگ قهرمانان گل می زند. بدون شک اگر این اتفاق در خیلی از کشورهای دیگر هم رخ می داد، طرفداران فوتبال شب خوبی را پشت سر می گذاشتند. همان طور که مصری ها با هر گل حساس مو صلاح برای لیورپول به هوا می برند. همان طور که کر می ها با گل های سون هیجان زده می شوند و برای ژاپنی ها هم مهم است که مینامینو چه عملکردی در باشگاه لیورپول دارد.

فاکتوری به اسم رونالدو

آن چه گل طارمی را مهم تر و جذاب تر می کند، حضور یک اسم آشنا در ترکیب تیم رقیب است. شاید اگر مهدی این گل را رویه روی تیمی غیر از یووه زده بود، حتی در ایران این همه مورد توجه قرار نمی گرفت اما این حقیقت که رونالدو یک تلاش ناکام برای حیران گل مهدی طارمی داشته، خودش هیجان انگیز به نظر می رسد. کریس یکی از بهترین فوتبالیست های تمام تاریخ است اما نتوانسته رویه روی مهدی طارمی و تیمش، کاری از پیش ببرد. او دومین ناکامی اش را رویه روی یک فوتبالیست اهمیت چنین اتفاقی را ندیده گرفت.

اسم رونالدو همیشه با خودش اهمیت و جذابیت می آورد و بدیهی به نظر می رسد که هیچ اندازی با یک ستاره در قوارهای او، همیشه خیرساز باشد. مهدی هم به بهترین شکل ممکن از این فرصت استفاده کرده و توجه زیادی به دست آورده است.

مسیر زندگی

گل زنی در لیگ قهرمانان اروپا برای مهدی با توجه به مسیری که او در زندگی اش پشت سر گذاشته، استثنایی به نظر می رسد. استعدادی که به جای زمین فوتبال، خیلی عادی به «خدمت سربازی» رفته و نزدیک به دو سال از سسال های اوج جوانی اش را در پادگان گذرانده، ستاره ای که کمی دیر کشف شده و خیلی طول کشیده تا دیگران الماس ساق هایش را پیدا کنند، ستاره ای که در دوران اوج چندین ماه از حضور در میادین فوتبال محروم شده و دور از زمین مسابقه بوده است، ستاره ای که روزهای خوبی را در لیگ قطر و باشگاه الغرافه پشت سر گذاشته، حالا یکی از بهترین مهاجمان فوتبال پر تال به شمار می رود. برای شناخت هر چه دقیق تر مهدی طارمی، کافی است به عملکرد او در همین فصل از لیگ قهرمانان اروپا نگاه کنید. در شروع فصل، او نیمکت نشین مطلق پورتو بود. سپس سه یکن از تعویضی های این تیم تبدیل شد، بعد راه فیکس شدن را در پیش گرفت و حالا مهم ترین بازیکن پورتو به شمار می رود. طارمی انگار مسیر بندر پوشهر تا بندر پورتو را تماماماشنا کرده است.

اعتماد به نفس

زند چنین گلسی، به مهدی کمک می کند تا خودش را بیشتر از همیشه باور داشته باشد. این موضوع برای تیم

مالی نمی توانستند به سراغ یک گزینه درجه یک خارجی بروند. بیا بید با خودمان روراست باشیم، اگر در زمان ورود برانکو ایوانکوویچ هم قیمت دلار به اندازه امروز بود و تحریم ها این چنین مستحکم به نظر می رسیدند، محال بود که پرسپولیس حتی به این گزینه «فکر» کند. پس تصور یک آینده روشن برای آبی هادر چنین شرایطی کمی دشوار است اما این گزاره، هرگز برای اعتماد بیشتر به پروژه فکری و دستیاران پر حاشیه اش کافی به نظر نمی رسد. آنها که این روزها در تلاشی بی سرانجام برای ترمیم اعصاب له شده هواداران شان هستند.

استقلالها خیلی خوب می دانند چه چیزی را «نمی خواهند». همه آن هوادارهایی که هر روز وسط بحران کرونا می کوبند و تا محل تمرین تیم محبوب شان



کریس یکی از بهترین فوتبالیست های تمام تاریخ است اما نتوانسته رویه روی مهدی طارمی و تیمش، کاری از پیش ببرد. او دومین ناکامی اش را رویه روی یک فوتبالیست ایرانی تجربه کرده و اصلا نمی توان اهمیت چنین اتفاقی را نادیده گرفت

ملی فوق العاده مفید خواهد بود. ایران باید چند مسابقه بسیار حساس را در دور اول انتخابی جام جهانی پشت سر بگذارد و سپس برای دور دوم آماده شود. داشتن بازیکنی مثل مهدی با این آمادگی همه چیز را ساده تر خواهد کرد. بدون شک مهرهای که نتوانسته در لیگ قهرمانان به یووه گل بزند، از اعتماد به نفس کافی برای عبور از خط دفاعی رقبای آسیایی برخوردار خواهد بود.

ماجراجویی اروپایی

باز کردن دروازه بیا بیکونوری، راه را برای کامل شدن ماجراجویی اروپایی طارمی باز می کند. او حالا از این شانس برخوردار خواهد بود که خودش را در لباس یک باشگاه بزرگ تر ببیند و حتی به اهداف بلند پروازانه تری در زندگی ورزشی اش فکر کند. این یک فرصت ویژه برای این ستاره خواهد بود تا خودش را یک پله بالاتر برد و پس از سال ها فوتبال ایران را در یک تیم بزرگ، صاحب نماینده کند. بدون هیچ تردیدی، اگر گل زنی های مهدی برای پورتو در اروپا ادامه داشته باشد، او دیر یا زود در تیرس تیم های بزرگ قرار خواهد گرفت.

می روند، خوب می دانند که چه چیزی نمی خواهند. آنها تعارف را کنار گذاشته اند، پرده ها را پس زده اند و صاف و مستقیم توی چشم های بعضی از اعضای کادر فنی نگاه کرده اند و از آنها خواسته اند تا باشگاه را ترک کنند. آنها نمی خواهند این وضعیت در استقلال ادامه پیدا کند اما مشکل اینجاست که این جماعت، نمی دانند چه چیزی «می خواهند». نقشه راه آنها در دوران پاسفکری، هنوز یک نقشه روشن نیست. این نقشه می تواند اعتماد دوباره به فرهاد مجیدی را رفتن به سراغ امیر قلعه نویی باشد. شاید

هم نوبت محک زدن یک مربی ایرانی جدید در استقلال رسیده اما نمی توان با قاطعیت گفت که کدام گزینه، باشگاه را متحول خواهد کرد. همین سردرگمی، به فکری زمان بیشتری داده اما به نظر می رسد مساله این مربی، فقط مساله «مان» است و نباید روی او به عنوان یک گزینه در مدت حساب ویژه ای باز کرد. فکری یک مربی برای فردای استقلال نیست و آبی هابرای گذراز بحران، باید مساله «فردا» را همین امروز روشن کنند.

کرونا را و خیمه و وخیم تر کند. از این گذشته، فرم برگزاری چنین دیدارهایی نیز در همه دنیا نسبت به ایران تفاوت های بزرگی دارد. همه جای دنیا در این بازی، بازیکنان زیاد سخت نمی گیرند و اجازه می دهند که گل های متعددی به ثمر برسد. همه جای دنیا این بازی اصلا جدی نیست و کسی برای نتیجه به میدان نمی رود اما در ایران بازیکنان آنقدر جدی در دیدارهای خیریه حاضر می شوند که انگار قرار است به برنده این مسابقه جام بدهند و بازنده از دور رقابت های خیریه حذف خواهد شد! بدون شک اگر برگزار کنندگان این نبردها در ایران چند مسابقه خیریه اروپایی را هم تماشا کنند، ذهنیت شان نسبت به این مسابقه ها کمی تغییر می کند. آن وقت می توان انتظار داشت که سبک و شیوه برگزاری این رقابت ها در ایران نیز کمی متفاوت شود و سروشکل بهتر و مطلوب تری پیدا کند.

حالا که اوضاع استقلال تا این اندازه شبیه پرسپولیس دوران حمید درخشان شده، هواداران آبی امیدوارند در دست مثل پرسپولیس، این ویرانی شروعی بر سال های باشکوه باشگاه باشد. درخشان یک روز در کنفرانس خبری، در حالی که کاملا عصیانی به نظر می رسید و سرگرم کنایه زدن به خبرنگارها بود، جمله ای به زبان آورد که بعدها به عنوان یکی از تاریخی ترین جملات این سال های فوتبال ایران شناخته شد. «اقا ما همین فردا می ریم ولی مشکلات تیم حل نمی شه!»

اصلا عجیب نیست که فکری هم در ویدئوی وایرال شده تازه اش، جمله مشابهی را به زبان آورده باشد: «من همین فردا می رم ولی فکر درخشان نشان می دهد اتفاقا همان ها که شما را از رفتن خودشان می ترسانند، باید بروند تا هوای تازه از راه برسد و اوضاع درست شود. تجربه درخشان نشان می دهد که جای چنین مربیانی، یک باشگاه بزرگ نیست. با این حال در مورد استقلال، ماجرا کمی پیچیده به نظر می رسد. چرا که این تیم به دلیل قوانین فعلی فوتبال ایران، اجازه جذب یک مربی خوب خارجی را ندارد. حتی اگر این قانون دست و پاگیر هم وجود نداشت، آبی ها به خاطر شرایط

بزرگسالانی که با بیماری های خاص دست و پنجه نرم می کنند. در ایران اما یک مسابقه خیریه در حالی برگزار می شود که هیچ توضیحی در مورد اهدافش به گوش نمی رسد. همین حالا هیچ کس نمی داند برگزاری و مسابقه برای یادبود علی انصاریان و مهرداد میناوند، چه آورده ای به همراه داشته است. از یک طرف منتخب سرخابی هارویه روی تیم ۹۸ قرار گرفته و در فاصله چند روز هنرمندان استقلال و پرسپولیس به مصاف هم رفته اند اما بعید به نظر می رسد این دو بازی اصلا عوایدی به همراه داشته باشد.

چرا که نه تماشایگری در ورزشگاه ها وجود داشته و نه اسپانسر روی لباس تیم ها دیده شده است. از خود لباس ها هم نگذریم که فوق العاده زشت و فاقد طراحی بودند. یعنی لباس هایی که در این بازی ها استفاده می شود، همیشه حامل